

گفت‌وگو با دکتر نجمه کیخا، عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی و کار

# لزوم ایجاد فرصت تجربه در عرصه سیاست‌گذاری برای زنان



حسین محمدی اصل

چاردیواری

نقش زنان در سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران، با توجه به ساماندهی خانواده و فلسفه فقه شیعه مبتنی بر اولویت حضور زنان در عرصه خصوصی، دارای اهمیت است. محور اصلی گفت‌وگوی تخصصی این هفته ما در مورد ترسیم چرخه سیاست‌گذاری امور زنان و نهادهای متولی طرح و مجری در این حوزه است. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد علاوه بر نهادها و مطالبات سنتی، نهادها و مطالبات مدرن در جامعه ایران وجود دارند که گاهی بازی با حاصل جمع صفر برای اولویت‌دهی سیستم سیاسی را شکل می‌دهند. در نتیجه سیاست‌گذاری امور زنان در بخش طراحی با دوگانگی غیرقابل جمع و تخصیص آمیزی روبه‌رو می‌شود. گاهی در بخش اجرا، امور زنان با بودجه‌ای ناکافی مواجه شده و در برون داد حوزه‌های اجتماعی و فرهنگ به ویژه در آموزش و بهداشت عملکردی قابل قبول داشته‌اند، همچنین در عرصه اقتصاد، رشد اندکی وجود داشته و در سیاست، ضعیف‌ترین نتایج حاصل شده است. در همین رابطه با دکتر نجمه کیخا، عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی و کارشناس مسائل زنان به گفت‌وگو نشستیم که در متن زیر بخشی از آن را می‌خوانیم.

■ وضعیت و میزان حضور زنان در عرصه سیاست‌گذاری‌های کشور در محورهای مختلف از جمله سیاست‌گذاری حوزه زن و خانواده طی یک دهه گذشته را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

با توجه به نکاتی که ابتدای بحث مشخص کردید، در این محورها وضعیت یکسانی وجود ندارد. در برنامه‌های توسعه تلاش شده بحث زنان سرپرست

خانواده، بهداشت و تحصیل زنان، بیمه زنان خانه‌دار و مسائل مشابه مورد توجه قرار گیرد و موفقیت‌هایی هم حاصل شده است. در مواردی مانند سطح اشتغال بانوان، درخواست رفع تبعیض‌های حقوقی و قضایی زنان و کسب جایگاه‌های بهتر در حوزه تصمیم‌گیری اما موفقیت زیادی به دست نیامده است. به نوعی می‌توان گفت درخواست زنان نخبه و تحصیل‌کرده

سیاست‌گذاری نقش‌آفرین باشند؟ بله، خوشبختانه با افزایش بانوان تحصیل‌کرده در حوزه‌های مختلف علمی، فزونی تعداد استادان هیات علمی خانم، حضور زنان در رسانه‌های مختلف همراه با فعالیت چشمگیر در فضای مجازی و مطالبه‌گری آشکار آنان در حوزه‌های مختلف نه تنها این ظرفیت وجود دارد، بلکه به شدت نیز مورد تقاضای زنان

## گام بلند زنان کارآفرین

زنان در ایران افزایش داشته است. گزارش‌های رسمی نشان می‌دهد مشارکت اقتصادی زنان از ۹۲٪ در سال ۱۳۳۵ به بیش از ۱۶ درصد در سال ۱۳۹۸ رسیده است. با این اوصاف، این پیشرفت مناسب با تغییرات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه نیست. تنها اگر مقوله تحصیل را در نظر بگیریم، در دهه‌های اخیر زنان زیادی به جمعیت تحصیل‌کرده ایران اضافه شده‌اند. در برهه‌هایی تعداد زنانی که به دانشگاه راه یافته‌اند بیش از مردان گزارش شده است. مجموعه مشکلاتی که در زمینه کار زنان وجود دارد، زنان را بر آن داشته تا فعالیت ویژه در زمینه کارآفرینی و مشاغل آزاد آغاز کنند. آنها وقتی

می‌بینند با موانع مختلفی برای کار کردن مواجه هستند، می‌کوشند کسب و کار خودشان را راه بیندازند و اداره کنند. اکنون بسیاری از زنان به دنبال این هستند که کارفرمای خود باشند و در مشاغل مختلف از جمله مشاغل فری‌لنسر می‌شوند. شاهد این هستیم که زنان گام‌های بلندی برداشته‌اند. در این بین نکته مهمی وجود دارد که باید مورد بررسی قرار گیرد. تحلیل‌های زیادی درباره وضعیت کاری زنان صورت گرفته و تقریباً همه متفق‌القول هستند زنان برای مشارکت اقتصادی با موانع اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی روبه‌رو می‌شوند. آیا وضعیت برای کارآفرینی زنان نیز همین‌طور است؟ گزارش جهانی در این زمینه وضعیت ایران را ناامیدکننده نشان می‌دهد.

هر چند نرخ مشارکت اقتصادی زنان در ایران نسبت به حدود ۷۰ سال پیش دو برابر شده اما زنان همچنان سهم بسیار کمی در اقتصاد و بازار کار ایران دارند.

آن طور که بررسی‌های اقتصادی نشان می‌دهد نرخ مشارکت اقتصادی زنان در ایران حدود ۱۶ درصد است. مرکز آمار در یکی از آخرین گزارش‌های خود درباره وضعیت بیکاری زنان در ایران که مربوط به مطالعه موردی تابستان سال ۱۳۹۸ است، می‌گوید: سهم زنان از بازار کار کمتر از ۲۰ درصد بوده است، حال آن‌که بیکاری زنان در این فصل به مراتب بیشتر از مردان و بیش از ۱۸ درصد گزارش شده است. نکته قابل توجه این که در دهه‌های اخیر نرخ مشارکت اقتصادی